**آیا كتاب «الإمامة و السياسة» از ابن قتیبه دینوری است؟**

**نویسنده: محمدباقر سجودی**

**منبع: http://islamtxt.net/**

شبهه شیعه:

یكی از شبهاتی كه وهابی ها مطرح می كنند كه در واقع با مطرح كردن آن می خواهند از واقعیت های مطرح شده در این كتاب فراركنند، این است كه می گویند، كتاب الإمامة والسیاسة، نوشته ابن قتیبه دینوری نیست.

بنابراین، تحقیق و پاسخی هر چند مختصر بر این تلاش های غیر علمی را بر خود لازم می دانیم: اولاً: این كتاب بارها با نام مؤلف آن «ابن قتیبه دینوری» در مصر و سایر كشورها چاپ شده و حتی چندین نسخه خطی از این كتاب در سراسر دنیا؛ موجود است.

**پاسخ اهل سنت:**

ما پاسخ شیعه را با همان روش اولا و دوما خودش جواب میدهیم:

پاسخ اولا: ما نگفتیم كه كتاب امامه و سیاسه وجود خارجی ندارد تا تو این را بگویی گفتیم نویسنده آن یك شیعه است كه بجای نام خود، نام ابن قتیبه را بر روی كتاب نوشته. پس این جواب تو یك سفسطه و حق پوشی است و ربطی به موضوع ندارد. بله كتاب در كتاب خانه ها هست، اما نویسنده اش شخص دیگریست.

**شیعه میگوید:** ثانیاً: تا زمانی كه عالمان اسلامی وجود دارند، استناد به كلمات مستشرقان (كه منكر انتساب كتاب به ابن قتیبه هستند)،دور از شأن یك محقق اسلامی است، و اصولا در صحت انتساب و عدم آن چه نیازی به بیگانگان است؟

**جواب ثانیا:** درست است! اما وقتی یك مستشرق یا یك نفر شیعه، یا هر كس دیگری حرفی میزند و دلیلی میاورد ما موظفیم دلیلش را بصورت علمی رد كنیم نه اینكه بگوییم چون غربی است یا شیعه است،پس دروغ میگوید!!

اگر اینطور باشد پس كار ما راحت میشود و عوض رد علمی در باره ادعای شما میتوانیم بگوییم مدعی شیعه است پس حرفش باطل است. دیدید به این روش جواب دادن، علمی نیست.

اما شما بیچاره ها چه كنید اگر چنین نكنید! جوابی ندارید كتاب شناسان غربی و شرقی روی این نكته انگشت گذاشتند كه این كتاب مال ابن قتیبه نیست و دلایلی ذكر كردند كه پایین تر مینویسم. شما عوض رد دلایل آنها گفتید چون غربی است پس كخ است! این نشد جواب

**شیعه میگوید:**

ثالثاً: بسیاری از عالمان اهل سنت؛ به تألیف این كتاب و صحت انتساب آن به «ابن قتیبه» تصریح داشته اند

1. ابن حجر هیثمی در كتاب تطهیر الجنان و اللسان.

2. ابن عربی مالكی، در كتاب العواصم من القواصم

3. نجم الدین عمر بن محمد مكی مشهور به «ابن فهد» در كتاب اتحاف الوری باخبار امّ القری

4. قاضی ابوعبدالله تنوزی معروف به «ابن شباط» در كتاب الصلة السمطیه.

5. تقی الدین فاسی مكی در كتاب العقد الثمین.

6. یوسف إلیان سركیس در كتاب معجم المطبوعات العربیة

7. فرید وجدی در كتاب دایرة المعارف القرن العشرین

8. دكتر احمد زكی صفوت نویسنده شهیر معاصر و استاد زبان عربی در دانشگاه مصر در كتاب جمهرة خطب العرب

آیا تصریح این همه از علما و بزرگان اهل سنت بر انتساب این كتاب به ابن قتیبه كفایت نمی كند؟

**جواب ثالثا:**اگر رای اكثریت علمای اهل سنت برایت حجت است پس حال تو زار است زیرا اگر تو نام 8 نفر را نوستی كه این كتاب را تالیف ابن قتیبه میدانند 8000 نفر بقیه نمیدانند

و بین این 8 نفر، بقول تو علمای بزرگ!! افرادی وجود دارند كه هیچكس آنها را نمیشناسد و و بعضی دیگر، اهمیت چندانی ندارند و این نشانگر این است كه برای یافتن همین 8 شاهد هم، خیلی بزحمت افتادی!

و این نكته مهم را نیز ذكر نكردی كه نویسندگان مشهور هم، به متن كتاب حمله كردند و در این باره بحث و توجه نكردند كه ان را ابن قتیبه نوشته یا كسی دیگری برای اونها مهم بود كه متن این نوشته را رد كنند حالا میخواهد نویسنده هر كس باشد پس تو داری سوء استفاده میكنی.

و باز، بروش همیشگی شیعه ها، به این شاهد ها هم دروغ بستی دروغی به بزرگی دروغ های دیگر شیعه!!! ما بین كتابهای این 8 نفر فقط یكی را پیدا كردیم كتاب العواصم من القواصم ابن عربی را و دیدیم تو از زبان او دروغ بافتی.

حالا بتو میگویم كه از زبان او چه دروغی بافتی:

**شیعه میگوید:** رابعاَ: عده ای از بزرگان اهل سنت علی رغم قبول صحت انتساب این كتاب به «ابن قتیبه» و تأیید حقایق تلخ و ناگواری كه در آن از تاریخ صدر اسلام نقل شده، بر او ایراد گرفته اند كه چرا وی به وظیفه پرده پوشی و سانسور حقایق و تحریف تاریخ عمل نكرده است! آن ها اظهار داشته اند كه او نیز همچون دیگران می بایست از نقل این حقایق خودداری می كرد!!

ابن عربی در كتاب العواصم من القواصم اظهار می دارد:

(ومن اشد شیء علی الناس جاهل عاقل أو مبتدع محتال فأما الجاهل فهو ابن قتیبة فلم یبق ولم یذر للصحابة رسما فی كتاب الامامة والسیاسة ان صح عنه جمیع ما فیه)

از جمله سخت ترین و ناگوارترین امور در جامعه یكی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت گذار حیله گر است؛ اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است كه در كتاب «الامامة و السیاسة» رسم [پرده پوشی] را در باره صحابه مراعات نكرده؛ اگر چه همه آنچه را كه نقل كرده صحیح است.

اگر هیچ دلیل دیگری بر انتساب كتاب به ابن قتیبه وجود نداشت، جز همین سخن ابن عربی، برای اهل حق كفایت می كرد؛ چرا كه این اعتراف افزون بر آن كه انتساب كتاب را ثابت می كند، انگیزه اهل سنت از این همه تلاش را بر انكار انتساب آن نیز به خوبی روشن می سازد.

و انگیزه اهل سنت از انكار آن، پنهان ماندن حقایقی است كه ابن قتیبه بی پرده آن ها را بیان كرده است.

جواب: دروغ گفتی!! ترجمه فارسی نوشته عربی این نیست كه تو نوشتی ترجمه صحیح این است ...... « ... فأما الجاهل فهو ابن قتیبة فلم یبق ولم یذر للصحابة رسما فی كتاب الامامة والسیاسة ان صح عنه جمیع ما فیه»

(اما نادان همان ابن قتیبه است كه هیچ رسم و نشانی را برای صحابه در كتابش «الإمامة والسیاسة» (از شرف صحبت آنها با رسول الله صلی الله علیه وسلم) پابر جا نگذاشته است، اگر همه آنچه در این كتاب است از او صحت داشته باشد.)

و شما شیعه ها اینجا جلوی چشم همه معنی را درفارسی غلط نوشتید و اینطور وانمود كردید كه ابن عربی میگویید كتاب امامه و سیاسه درست است اما باید كه هر حرف درست را نگوییم.

خب شما كه به این راحتی در روز روشن دروغ میگویید، پس حیرتی ندارد كه شیعه ای در تاریكی تاریخ، كتابی دروغی بنویسد و به عالم ما نسبت دهد تا كتابش وزنی پیدا كند

حالا گوش كنید به دلایل كتاب شناسان: آنها چرا میگویند این كتاب تالیف ابن قتیبه نیست:

دلیل اول - انشاء و اسلوب نگارش این كتاب شبیه بقیه نوشته های ابن قتیبه نیست.

دلیل دوم: در متن كتاب به نام بانویی اشاره دارد و از او نقل كرده است. بانوی یاد شده شاهد فتح اندلس در سال 92 ق بوده است با اینكه تولد ابن قتیبه در 213 ق است.

دلیل سوم: در نوشته های قدما نا می از این اثر نیست.

دلیل 4: كسانی كه لیست كتب ابن قتیبه را جمع آوری كرده اند در آن لیست نام این كتاب را تحت نام ابن قتیبه ذكر نكرده اند بلكه اصلا آن را نمی شناختند، كه خود دلیل است بعد از وفان ابن قتیبه نوشته شده!

مثلا ابن ندیم اولین كسی است كه نسبتاً به تفصیل، به زندگانی ابن قتیبه پرداخته و كتابهای او را فهرست كرده است. اما در بین كتابهای ابن قتیبه، اشاره ای به الامامة و السیاسة ندارد.

دلیل 5: در كتب دیگر ابن قتیبه اشاره ای به این كتاب نشده. و او عادتا در كتابهایش اشاره به نوشته های دیگر خود میكند اما اشاره ای به امامه و سیاسه ندارد، مگر اینكه بگوییم الامامه و الاسیاسه آخرین تالیف اوست

دلیل 6: نویسنده مفصلاً به فتوحات اندلس و مغرب پرداخته ولی به فتح سوریه، مصر، عراق و هند اشاره ای ندارد. این گویای اهتمام و عنایت نویسنده و علاقه او به منطقه مغرب و اندلس است. و دلیلی است به اینكه نویسنده الامامه و السیاسه مغربی نه بغدادی یا رونویسی كرده بخشی از كتاب خود را ...

دلیل 7:مؤلف از حمله موسی بن نصیر به مراكش یاد می كند. این شهر را یوسف بن تاشفین در 454 ساخته و این مطلب با توجه به وفات ابن قتیبه در 276 ق سازگار نیست.

دلیل 8: تعرض به صحابه و ائمه پیشین با مشرب ابن قتیبه سازگار نیست. و در كتب دیگرش جز با احترام با لفظ دیگری از آنها یاد نمیكند.

دلیل 9: گرایش به شیعه و ضدیت با امویان كه در متن هست نشانگر مشرب ابن قتیبه نیست.

دلیل 10: از ابی لیلی متوفی بسال 93 روایاتی آورده در حالیكه ابن قتیبه در سال 276 مرده

اگر بگوییم بی سند از او روایت كرده این خود دلیل بر بی ارزش بودن كتاب است و اگر بگوییم او را دیده پس ابن قتیبه عمر نوح ببخشید عمر امام زمان شیعه را داشته.

دلیل 11: كتاب از هم گسیخته و ناهمگون است مثلا فقط 4 صفحه را اختصاص داده به تاریخ ابوبكر و عمر و اهمیتش را بیش از این ندیده اما درهمان حال 4 صفحه دیگر را اختصاص داده به كشته شده سعید بن جبیر كه نسبتا كم اهمیت است!

این خود دلیل است كه این یك گزارش تاریخی و علمی نیست و برای هدف معینی نوشته شده اما برای علمی كردن آن آخر كتاب را اختصاص داده به فتوحات در افریقا كه البته نوشته های آن رونویسی از كتب دیگر است.

و برای این زوركی نام ابوبكر و عمر را آورده تا كسی شك نكند كه او شیعه است! گرنه چرا باید فقط 4 صفحه را اختصاص دهد به این دو مرد نامی؟

این دلایل كتاب شناسان در رد این كتاب بود.

و شیعه اگر هنوز اصرار دارد كه این كتاب را ابن قتیبه نوشته باید تك تك آنرا پاسخ دهد

و در آخر میگویم بفرض كه نوشته این كتاب ابن قتیبه باشد این كه چیزی را ثابت نمیكند

ابن قتیبه كه پیغمبر نبوده تا حرفش سند باشد.

اگر او یك حرف بی سند زده صد عالم دیگر مستند سخن دیگری گفته اند!

بعد روایاتی كه در كتاب الامامه و الاسیاسه آمده فقط و فقط با كلمه (قال) شروع میشود و سند ندارد!!!!

(گفت)! كی گفت؟! معلوم نیست كه كی گفت!!!!

این كتاب ارزش علمی نداردو كدام انسان عاقلی كتاب بخاری و مسلم كه هر حدیثش با سند های محكم ثابت شده را رها میكند و میچسبد به این آقای (قال)؟؟؟

(گفت)! كی گفت؟! معلوم نیست كه كی گفت!!!!

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله وصحبه اجمعین.